

نقش موقعیت در بزهکاری

تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۸۸/۹/۲۷

دکتر غلامرضا محمدنسل^۱، مهرداد اشراقی^۲

چکیده

مسئله: جرم را چه دو عاملی (شامل بزهکار و موقعیت) و چه سه عاملی (بزهکار، بزه دیده، موقعیت) بدانیم، باید اعتراف کنیم که موقعیت یکی از عناصر لازم برای تحقق بزه است. موقعیت جرم معنای نزدیکی با فرصت جرم دارد اما علاوه بر فرصت جرم، فقدان مانع و عوامل مزاحم بازدارنده از جرم را نیز در بر می گیرد و هدف اصلی آن بررسی نقش موقعیت در بزهکاری است.

روش: این مطالعه از نوع مفهومی مروری (روش اسنادی و کتابخانه‌ای) است که با بهره گیری از منابع و نظریه‌های معتبر حوزه جرم‌شناسی و علوم اجتماعی تحقیق و بررسی شده است.

موقعیت جرم را می‌توانیم به عنوان وضعیتی تعریف کنیم که شرایط مساعد ارتکاب جرم مهیا بوده و عامل بازدارنده موثری برای ممانعت از تحقق جرم وجود نداشته باشد. گروهی که جرم را دو عاملی می‌دانند، وجود آماج جرم مناسب را نیز یکی از اجزای موقعیت جرم به حساب می‌آورند؛ اما کسانی هم هستند که وجود آماج جرم مناسب را نیز به عنوان یک عامل مستقل در کنار بزهکار و موقعیت محسوب می‌کنند.

آشنایی بیشتر با مفهوم و کارکرد موقعیت در تحقق جرم، مستلزم تفکیک و شناخت اجزای آن است. می‌توان با تجزیه و تحلیل و استخراج قواعد حاکم بر موقعیت، نسبت به پیشگیری و کاهش جرم اقدام کرد.

کلیدواژه‌ها:

موقعیت / فرصت / تهدید / آماج بزه / تسهیلات بزه / موقعیت بزهکاری.

۱- نویسنده مسئول و استادیار دانشگاه علوم انتظامی

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

مقدمه

بزهکاری به عنوان یکی از چالش‌های اساسی حکومت‌ها برای ایجاد و استقرار امنیت محسوب می‌شود. امنیتی که بشر از دیر باز برای حفظ حیات و ادامه زندگی به دنبال آن بوده و برای رسیدن به آن به طرق گوناگونی متوسل شده و سعی در شناخت پدیده‌های تأثیرگذار بر آن کرده است. بدیهی است مطالعه و شناخت این عوامل که از کارکردهای دانش جرم‌شناسی است در پیش‌بینی، کشف و مبارزه با پدیده مجرمانه و استقرار نظم و امنیت نقشی اساسی دارد.

بیشتر نظریه‌های جرم‌شناسی تاکنون در پی کشف علل دوری مانند تربیت دوران کودکی، ساختار ژنتیکی و ... بر بزهکاری بوده‌اند. اما بر اساس دستاوردهای جرم‌شناسی محیطی علل نزدیک و آنی جرم که از آن به علل پیش بزهکاری یا موقعیت بزهکاری نیز یاد می‌شود در تحقق بزه نقش اساسی دارند.

هرچند نقش موقعیت در ارتکاب بزهکاری در چند دهه گذشته مورد توجه خاص جرم‌شناسان قرار گرفته و بر همین اساس نظریه‌های گوناگونی را ارایه نکرده‌اند، اما رگه‌هایی از درک آن را می‌توان در طول تاریخ زندگی بشر بر روی کره خاکی آنگاه که برای ایمنی خود به غارها پناه برد و برای محافظت، دیوارها و برج‌ها را بر پا کرد، مشاهده کرد. دین مبین اسلام نیز با تعالیم روح‌بخش خود بر نقش موقعیت‌ها و بزهکاری برای خاص و موشکافانه‌ای اشاره دارد. برای مثال، می‌توان به توصیه‌هایی در ترویج فرهنگ صبر و مدارا، تقیه و توریه و احتیاط در عقود و ایقات و ... اشاره کرد.

بیان مسئله

تا مدت‌های مدید، مطالعات جرم‌شناختی بر بررسی فرد بزهکار مبتنی بود و جرم‌شناسان تلاش داشتند تا علل و عوامل جرم را «در درون و از درون» بزهکاران جست‌وجو و استنباط کنند. در مکتب تحقیقی جرم‌شناسی، در واقع شخص بزهکار محور تجزیه و تحلیل و علت‌شناسی جرم و بالطبع هم در مجازات و هم در اقدامات پیشگیرانه، کانون تمرکز و توجه بود. به تدریج با نفوذ تفکرات اثباتی در جرم‌شناسی، تأثیر سایر عوامل بر بزهکاری نیز مدنظر قرار گرفت و نظرها از بزهکار به سوی عوامل

دیگری مانند بزه‌دیده و موقعیت نیز جلب شد. نقش بزه‌دیده در وقوع جرم و همچنین نقش موقعیت در وقوع جرم از موضوعات جدیدی بودند که مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

موقعیت یکی از عوامل مهم در وقوع بزهکاری است و بالطبع در تصمیم‌گیری بزهکاران به شروع و ادامه یا انصراف و بازگشت از بزهکاری تأثیر دارد. شناخت ابعاد موضوع و نقش و تأثیر موقعیت بر روند بزهکاری از مباحثی است که به‌طور مستقل به آن پرداخته نشده است. از آنجا که بسیاری از تکنیک‌های پیشگیری (پیشگیری وضعی) مبتنی بر حذف و کاهش موقعیت جرم می‌باشند، شناخت ابعاد موضوع هم در علت‌شناسی جرم و هم در پیشگیری مفید خواهد بود. بنابراین، تحقیق حاضر تلاش در بررسی و ارائه پاسخ به این سؤال دارد که: موقعیت چه نقشی در بزهکاری دارد؟ سؤال فوق را می‌توان به دو سؤال فرعی به ترتیب زیر تقسیم کرد: (۱) موقعیت بزهکاری چیست و چه انواعی دارد؟ (۲) موقعیت بزهکاری از چه اجزایی تشکیل یافته و هریک از این اجزا در فرایند بزهکاری چگونه ایفای نقش می‌کنند؟

اهداف و روش‌شناسی

هدف اصلی این تحقیق بررسی و وضوح نقش موقعیت در بزهکاری است. به منظور دستیابی به پاسخ سؤالات تحقیق، محققین با روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و بهره‌جستن از منابع معتبر جرم‌شناسی و علوم اجتماعی به تحقیق پرداخته‌اند. این مقاله در چهار بخش تعریف و انواع موقعیت بزهکاری، اجزای موقعیت بزهکاری، نقش هریک از اجزا در فرایند بزهکاری و نتیجه‌گیری سازمان یافته است.

تعریف و انواع موقعیت بزهکاری

شناخت موقعیت یا وضعیت پیش‌جنایی در توضیح عمل مجرمانه امری اساسی است؛ زیرا عمل جنایی پاسخ شخصیت خاص به موقعیت معین است و می‌توان علت‌شناسی جرم را در شخصیت بزهکار یا در موقعیت پیش‌جنایی یا در محل برخورد این دو عنصر مورد بررسی قرار داد (گسن، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

تعریف موقعیت بزهکاری

موقعیت جنایی (که به آن موقعیت پیش جنایی نیز گفته می‌شود) از نظر گسن (۱۹۳:۱۳۸۵) این گونه تعریف شده است: «موقعیت پیش جنایی مجموعه اوضاع و احوال خارج از شخصیت بزهکار است که بر عمل مجرمانه مقدم هستند و سبب تدارک عمل مجرمانه می‌شوند، به قسمی که شخصی، مفهوم و محسوس هستند». این تعریف نشان می‌دهد که موقعیت پیش جنایی پدیده عینی و خارج از شخصیت بزهکار است و این موقعیت به وسیله شخص درک شده است.

همه عناصری که در موقعیت‌ها تعریف می‌شوند می‌توانند به عنوان «فرصت» یا «تهدید» و «عامل تراحم» جلوه‌گر شوند (پایا، ۱۳۸۶: ۳۱). بنابراین، به نظر نگارنده، موقعیت جنایی (و به عبارت بهتر، موقعیت بزهکاری) عبارت از شرایطی است که در آن به تشخیص مرتکب، حداکثر فرصت و حداقل مانع برای ارتکاب جرم وجود دارد. مفهوم حداقل و حداکثر، نشان دهنده نسبت موقعیت‌های جرم نسبت به بزهکاران و بزه‌دیدگان متفاوت است.

انواع موقعیت بزهکاری

در مورد طبقه‌بندی موقعیت‌های بزهکاری تاکنون کار کمی انجام گرفته و تا آنجا که اطلاع داریم فقط کین‌برگ به این امر پرداخته است. تیپ‌شناسی وی براساس بررسی خود موقعیت‌ها صورت نگرفته است بلکه فقط به اعتبار ظاهرکنندگان حالت خطرناک در بزهکاری عرضه شده است (گسن، ۱۳۸۵: ۱۹۵). از نظر کین‌برگ سه نوع موقعیت پیش جنایی وجود دارد:

موقعیت‌های مخصوص یا خطرناک: این موقعیت‌ها با دو صفت مشخص می‌شوند: اول اینکه، در این موقعیت‌ها جرم همیشه وجود دارد و بنابراین جست‌وجوی آن لزومی ندارد. و دوم آنکه، عامل انگیزش بزهکار بالقوه در آنها وجود دارد (همان: ۱۹۶). با این دو ویژگی است که این نوع موقعیت‌ها از دو نقطه‌نظر خطرناک می‌شوند: اولاً چنین موقعیت‌هایی شخص را مستعد رشد جنایی می‌سازد و

ثانیاً اشخاص یا اشیایی را در معرض خطر قرار می‌دهد که به محیط بزهکار بالقوه تعلق دارند.

بنابراین موقعیت خطرناک یا موجب بروز جنایت می‌شود یا اشخاص را قربانی خود می‌سازد (کی‌نیا، ۱۳۸۳: ۳۰۹). هر نوع از موقعیت مخصوص فقط می‌تواند در اشخاصی که ویژگی خاصی دارند مؤثر افتد و حال آنکه در اشخاص دیگر نمی‌تواند تأثیری داشته باشد. اشخاصی که در موقعیت مخصوص مرتکب جرم شده‌اند اگر از آن موقعیت خارج شوند، دیگر مرتکب جرم نمی‌شوند (همان: ۳۲۵). از انواع موقعیت‌های خطرناک می‌توان به موقعیت ماقبل زنا با محارم، قتل اعضای خانواده، ضرب و شتم زنان توسط همسرانشان، معشوقه‌کشی، حسادت، هتک ناموس و اختلاس اشاره کرد (همان: ۳۱۸-۳۰۹).

موقعیت‌های غیرمخصوص یا بی‌شکل: مشخصه این موقعیت‌ها در این است که ارتکاب جرم در آنها امری غیرعادی است، اما به مفهوم آن نیست که امکان ارتکاب جرم در این موقعیت‌ها وجود ندارد لیکن تحقق جرم منوط به مهیا کردن شرایطی مانند تهیه مقدمات کار، به دست آوردن ابزار و مقدمات ارتکاب جرم، انتخاب شرکای جرم و غیره است. از آنچه که گفته شد می‌توان نتیجه گرفت: اشخاصی که در موقعیت بی‌شکل مرتکب جنایت می‌شوند از نظر استعداد جنایی کم و بیش ماهر و در عمل سریع و چابک هستند.

در موقعیت‌های بی‌شکل، خطر از پیش متوجه اشخاص معین نیست. انتخاب بزه‌دیده ناشی از شناخت و رابطه شخصی بین بزهکار و بزه‌دیده نیست. اقدامات بزهکار در این موقعیت‌ها کمتر به اشخاص یا گروه‌های خاص محدود است. سرقت مسلحانه، ساخت سکه قلب، جیب‌بری، کلاهبرداری سازمان یافته و... از مصادیق این موقعیت هستند (گسن، ۱۳۸۵: ۱۹۶).

موقعیت‌های مختلط یا بینابین: این موقعیت‌ها آنهایی هستند که شانس ارتکاب جرم به فرد داده شده بدون آنکه خود وی در جست‌وجوی آن بوده باشد، اما از سوی دیگر لزوماً ارتباط مخصوصی بین ساختار شخصی مباشر جرم و محرک‌های خارجی وجود ندارد (همان). موقعیت‌های مختلط در اثر فشار یک حادثه یا یک واکنش پدید

می‌آیند. برای مثال، هنگامی که فردی از ترس انتقام‌گیری از وی توسط گروهی دیگر مرتکب جرم می‌شود (نیازپور، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

جدول شماره ۱: انواع موقعیت پیش جنایی

عنوان موقعیت	اوصاف موقعیت	جرایم شایع در موقعیت
موقعیت‌های مخصوص یا خطرناک	* همواره فرصت ارتکاب جرم وجود دارد. * محرک‌های قوی برای سوق بزهکاران بالقوه به ارتکاب جرم وجود دارد.	زنا با محرم، قتل اعضای خانواده، ضرب و شتم زنان توسط همسرانشان، معشوقه‌کشی، حسادت، هنک ناموس و اختلاس
موقعیت‌های غیرمخصوص یا بی‌شکل	* معمولاً فرصت ارتکاب جرم وجود ندارد. * محرک برای ارتکاب جرم ضعیف است	سرقت مسلحانه، ساخت سکه قلب، جیب‌بری، کلاهبرداری سازمان یافته
موقعیت‌های مختلط یا بینابین	* فرصت ارتکاب جرم قابل دسترسی است * انگیزش بزهکار بالقوه برای ارتکاب جرم در آنها قوی است	هنگامی که فردی از ترس انتقام‌گیری از وی توسط گروهی دیگر مرتکب جرم می‌شود.

جدول شماره ۲: درجه و طبقه‌بندی موقعیت‌ها

عنوان موقعیت	اوصاف موقعیت		
	وجود مانع جرم	دسترسی به تسهیلات جرم	دسترسی به آماج بزه
موقعیت‌های مشوق جرم	ضعیف	زیاد	زیاد
موقعیت‌های مانع جرم	قوی	کم	کم
موقعیت‌های خنثی	متوسط	متوسط	متوسط

اجزای موقعیت بزهکاری

با توجه به تعریف موقعیت بزهکاری (که پیشتر ذکر شد) موقعیت بزهکاری را می‌توان مرکب از دو جزء فرصت بزهکاری و فقدان تهدید یا تزاخم دانست. در این قسمت از مقاله به بررسی هریک از این اجزاء پرداخته خواهد شد.

فرصت بزهکاری

فرصت یا فرصت‌های بزهکاری متغیرهایی هستند که خود از دو جزء آماج بزه^۱ و تسهیلات بزه^۲ تشکیل می‌شوند (Clarke, 1998, p 12). به‌طور مختصر هر یک از آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

آماج بزه

کلارک، آماج بزه را این‌گونه تعریف می‌کند: «آماج بزه به شخص یا چیزی اطلاق می‌شود که بزهکار آن‌را مورد تهاجم، تصاحب یا آسیب قرار می‌دهد» (Clarke and Eck, 2005). بنابراین آماج بزه که همان هدف مورد توجه بزهکار محسوب می‌گردد اعم از یک شخص یا چیزی متعلق به یک شخص است.

در رویکرد فعالیت روزانه به جای واژه بزه‌دیده یا قربانی (کسی که ممکن است کاملاً از صحنه بزه خارج باشد)، ترجیحاً از واژه آماج استفاده می‌شود. براین اساس مالک یک تلویزیون هنگام سرقت معمولاً از صحنه بزه خارج است. بنابراین تلویزیون آماج بزه است و عدم حضور مالک و دیگر محافظان، کار را برای سارق آسان‌تر می‌کند (Felson and Clarke, 1998: p5).

بزه‌دیده واژه‌ای است که دلالت بر شخصی دارد که به تبع رخ دادن یک جرم به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۶) به تعبیری ساده باید گفت بزه‌دیده کسی است که جرمی علیه او ارتکاب یافته باشد و تمامیت معنوی، جسمانی یا مالی

1 - Crime Target

2 - Crime Facilitators

او آسیب دیده باشد. در متون فقهی معمولاً زیان دیده از جرم را با عنوان مجنی علیه یعنی کسی که جرم و جنایت علیه او ارتکاب یافته تعبیر می‌شود. البته در انواع جرایم، زیان دیده از هر جرم با اصطلاح خاص خود بیان می‌شود؛ برای مثال، مال‌باخته از سرقت تحت عنوان مسروق‌منه، کسی که مورد زنا واقع شده گاهی مزنی بها و کسی که مورد ضرب و جرح واقع شده به مصدوم یا مجروح تعبیر می‌شود (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۶۷). فرهنگستان ایران در سال ۱۳۲۰ واژه بزه‌دیده را به جای مجنی علیه و در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی واژه بزه را به جای جرم و بزهکار را به جای مجرم برگزید (شیری، ۱۳۸۶: ۱۸).

تاریخ پیدایش بزه دیده شناسی علمی به سال ۱۹۴۸ باز می‌گردد، سالی که کتاب مجرم و قربانی او اثر فون هانتینگ به رشته تحریر درآمد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۳: ۱۸۰). اصطلاح بزه‌دیده‌شناسی را هم اولین بار وردهایم روانپزشک آمریکایی در کتاب نمایش خشونت به سال ۱۹۴۹ در بحث جرم‌شناسی بزه‌دیده‌شناسی، به کار برد. او در این کتاب نیاز به تدوین علم بزه‌دیده‌شناسی را مورد بررسی قرار داده و عنوان کرد که در قتل‌ها همواره قاتل را مورد مطالعه قرار می‌دهند و نوعاً قربانی را وا می‌گذارند و هیچ بحثی از میزان بی‌دفاعی مقتول و میزان حمایت مقامات از وی به میان نمی‌آید. لیکن تا زمانی که جامعه‌شناسی بزه‌دیده را نشناسیم روان‌شناسی قاتل را نخواهیم شناخت. لذا رشته بزه‌دیده‌شناسی برای ما ضروری است (همان). از چند دهه قبل این رهیافت سیاست جنایی را تحت تأثیر قرار داده و محور اصلی آن توجه و تکیه بر بزه‌دیده و به عبارت دقیق‌تر آماج و هدف جرم می‌باشد. رویکرد بزه‌دیده‌شناسی برخلاف رویکرد مجرم محور به نقش بزه‌دیده در وقوع جرایم می‌پردازد. چراکه جرم حاصل فرآیند بازی بین بزه‌دیده و مجرم است (پاک‌روش، ۱۳۸۷: ۶۵) و بزه‌دیده خود می‌تواند عامل وقوع جرم یا عنصر مؤثری در فرآیند تکوین جرم باشد (همان: ۵۱).

تسهیلات بزه

تسهیلات یا تسهیل کننده‌های بزه به بزهکاران در ارتکاب بزهکاری یاری می‌رسانند. تسهیلات بزه به سه دسته فیزیکی، اجتماعی و شیمیایی قابل طبقه‌بندی هستند: تسهیلات فیزیکی چیزهایی هستند که توان بزهکاران را افزایش می‌دهند یا آنها را در چیره شدن بر اقدامات پیشگیرانه یاری می‌رسانند. بعضی از این تسهیلات فیزیکی به صورت ابزار و یا بخشی از محیط فیزیکی است. مانند اسلحه گرم و چرخ دستی. تسهیلات اجتماعی بزهکاران را به ارتکاب بزه از طریق افزایش منافع حاصله، توجیهات و عذرهای قانونی یا جسارت به اعمال مجرمانه تحریک می‌کنند. برای مثال، گروه‌های جوان می‌توانند فضای اجتماعی را به وجود آورند که جسارت رفتارهای آشوبگرانه در مسابقات ورزشی پدید آید. دسته‌ها و شبکه‌های سازمان‌یافته بزهکار، فعالیت‌های بزهکارانه را برای اعضایشان تسهیل می‌سازند. تسهیلات شیمیایی توانایی بزهکاران را در بی‌اعتنایی به خطرات یا محدودیت‌های اخلاقی افزایش می‌دهند. برای مثال، بعضی از مجرمان پیش از ارتکاب جرم به جهت کاهش نگرانی و ترس مشروبات الکلی زیادی نوشیده و یا از مواد مخدر استفاده می‌کنند (Clarke and ECK, 2005:34).

جدول شماره ۳: طبقه‌بندی تسهیلات بزه

نوع تسهیلات	ویژگی	مصادیق
تسهیلات فیزیکی	* افزایش توان بزهکاران؛ * کمک به چیره‌شدن بزهکار بر اقدامات پیشگیرانه	اسلحه گرم و چرخ دستی
تسهیلات اجتماعی	* افزایش منافع حاصل از جرم؛ * موجه جلوه دادن بزهکاری * افزایش جسارت	* باندهای تنه‌کاری جوانان
تسهیلات شیمیایی	* افزایش بی‌اعتنایی به خطرات * از بین بردن محدودیت‌های اخلاقی	* مشروبات الکلی * مواد مخدر

فقدان تهدید یا تراحم

تهدید یا تراحم متغییر موقعیتی است که فقدان آن از اجزای موقعیت بزهکاری است. تهدید یا تراحم می‌تواند به واسطه یک شی یا سیستم امنیتی باشد مانند: آژیر خطر، قفل فرمان، چراغ باروشنایی مطلوب، سازوکارهای پنهان نبودن هویت افراد برای رد گیری آنان و... یا از طریق انسان باشد مانند حضور نگهبان کارآمد. گاهی این ویژگی تهدید کننده یا مزاحم برای بزهکار در نهاد آماج بزه و نه پیرامون آن قرار دارد مانند فردی که دارای قدرت بدنی بالایی است یا مهارت دفاع شخصی دارد.

بر اساس نظریه فعالیت روزانه (که به نقش فقدان محافظ کارآمد در بزهکاری اشاره کرده است)، محافظ لزوماً پلیس یا مأمور امنیتی نیست بلکه می‌تواند هر شخصی باشد که حضورش احتمال وقوع جرم را کاهش دهد. بنابراین، یک زن خانه‌دار، دربان، یک همسایه یا یک همکار می‌تواند نقش محافظ را بازی کنند. محافظت اغلب امری ناخودآگاه است، اما هنوز به عنوان عنصری مؤثر در برابر جرم محسوب می‌شود. مهم‌تر اینکه در نبود محافظان احتمال خطر حمله به هدف افزایش می‌یابد (Felson and Clarke, 1998: p4).

نقش اجزای موقعیت بزهکاری در فرآیند بزه

برای تحقق بزهکاری تقارن دو عنصر اساسی ضروری است به طوری که فقدان هر یک از آنها، ارتکاب بزهکاری را منتفی می‌سازد. این دو عنصر عبارت‌اند از: شخصیت بزهکارانه و موقعیت بزهکاری. به عبارت دیگر، پاسخ شخصیت بزهکارانه به موقعیت بزهکاری باعث ارتکاب بزهکاری است. بعضی از جرم‌شناسان عنصر سوم را نیز تحت عنوان آماج بزه مطرح کرده‌اند. اما بنابر شرحی که در خصوص ساختار موقعیت بزهکاری گذشت، می‌توان گفت که آماج بزه (اعم از اینکه انسان باشد یا شی)، خود یک متغیر موقعیتی بوده و از موقعیت نمی‌تواند مجزا باشد.

تقارن دو عنصر یاد شده و ارتکاب بزهکاری یا بزه‌دیدگی را می‌توان با نظریه‌هایی مانند سبک زندگی^۱، فعالیت روزانه^۲، انتخاب عقلانی^۳ و الگوی بزهکاری^۴ مورد تحلیل قرار داد.

نقش آماج بزه در فرآیند بزهکاری

همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد آماج بزه اعم از یک شخص یا چیزی متعلق به یک شخص است که به آن بزه دیده می‌گوییم. گفته شده است که تأکید بر نقش بزه دیده، مال‌باخته و متضرر از جرم در به حرکت درآوردن فرایند ارتکاب جرم، نخستین بار در سال ۱۹۲۶ به وسیله یک فرد غیر متخصص به نام آلن مورد توجه قرار گرفت. وی رییس صندوق امانات بود لیکن هنگام سخنرانی در یک جلسه رسمی در نیویورک اذعان داشت که برای برخی از بزه‌دیدگان باید مجازات تعیین کنیم؛ چرا که بسیاری از جرایم علیه اموال، ناشی از تقصیر و قصور بزه دیده است (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۷۳: ۱۷۹).

بزه‌دیده به عنوان یکی از عوامل پیش‌بزهکاری می‌تواند نقش مهمی در فرآیند جرم بازی کند، زیرا او علاوه بر تسریع فرآیند گذر جرم از اندیشه به فعل مجرمانه، از طریق تحریک، ترغیب و اغوای بزهکار بالقوه، ممکن است به خاطر خصوصیات آسیب‌شناختی، فرصت ارتکاب جرم علیه خود را به عنوان آماجی مناسب برای بزهکاران بالقوه فراهم کند (زینالی، ۱۳۸۳: ۲۰۱). بر اساس آخرین یافته‌های جرم‌شناختی، دیگر مسئله عمده مجرم نیست، بلکه بزه‌دیده است، یعنی کسی که شیوه زندگی و فعالیت‌های روزمره وی، ممکن است او را در برابر جرم آسیب‌پذیر کند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۳: ۲۴۵).

لاکن بیل، در آزمونی که بر روی ۷۰ پرونده قتل انجام داد، نشان داد که پدیده قتل، کنش یک‌طرفه‌ای نیست که در آن، حتی بتوان نقش یک بزه‌دیده بی‌خبر را هم

1 -Life Style Theory.

2 -Routine Activity Theory.

3 -Rational Choice Theory.

4 -Crime Pattern Theory.

نقشی انفعالی و بدون تقصیر تصور کرد؛ بلکه آشکار است که قتل عمد، نتیجه تبادلی پویا بین مجرم و بزه‌دیده است. تا آنجا که در بسیاری از موارد، حتی نمی‌توان نقش تماشاگران صحنه را نادیده گرفت (همان، ص ۲۵۰). بی‌تردید بزه‌دیده به عنوان رکن اساسی موقعیت ماقبل بزهکاری می‌تواند نقش مهمی در به جریان انداختن و طی طریق فرآیند بزهکاری ایفا نماید و وجود افرادی آسیب‌پذیرتر از سایرین که کم و بیش برای بزهکاران بالقوه مطلوب بوده و آماج و اهداف مناسبی برای آنان محسوب می‌شوند، می‌تواند چه در مرحله شکل‌گیری نقشه جرم و یا اندیشه مجرمانه و چه در مرحله عملی کردن آن، موجب تسریع حرکت فرآیند جرم شود (زینالی، ۱۳۸۳: ۲۰۳).

فون هانتینگ می‌گوید: در سلسله طولانی علت و معلولی، نقش بزه‌دیده را می‌توان نقش تعیین‌کننده به حساب آورد. عبدالفتاح معتقد است: بزه‌دیده صرفاً یک آماج منفعل جرم نیست تا بتوان او را طعمه‌ای در چنگال غارتگران مهاجم تصور کرد و بر آن بود که او بی‌هیچ تقصیری صرفاً در نقطه وقوع آن رفتار را ایفا نکرده است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۳: ۲۵۰). در مجموع باید گفت در بسیاری از موارد شخص بزه‌دیده در ارتکاب جرم به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم دخالت می‌کند. به عنوان نمونه، می‌توان از تحریک یا تشویق مجرم برای ارتکاب جرم نام برده یا با تسهیل وقوع بزه، مجرم را به انجام جرم یاری داد (نوربهاء، ۱۳۸۶: ۱۸۹).

یکی از اصول نظریه سبک زندگی این است که تفاوت در میزان خطر بزه‌دیدگی تا حدودی ناشی از تفاوت در میزان در قرار گرفتن آماج جرم در معرض رؤیت بزهکاران است. این قابلیت رؤیت تنها با خصوصیات اجتماعی - جمعیت‌شناختی بزه‌دیده (مانند: سن، نژاد، محل اقامت و امثال آن) تنوع نمی‌یابد بلکه، سبک زندگی بزه‌دیده نیز در آن تأثیر دارد. فعالیت‌های کاری و تفریحی هر فرد که قابلیت رؤیتش را برای مجرمان بالقوه افزایش بدهد (مانند مصرف الکل در مکان‌های عمومی یا استفاده از حمل و نقل عمومی در ساعات اواخر شب) خطر بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد (Clarke. 1997:p11). برای مثال، برخی فعالیت‌های اجتماعی، افراد را به عنوان آماج‌های مستعد بزه‌دیدگی، در مجاورت گروه وسیعی از بزهکاران بالقوه،

ناشناخته و گمنام قرار داده و از این طریق، سطح بی‌حفاظ ماندن را افزایش می‌دهد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۳: ۲۶۱). بنابراین، مجاورت و نزدیکی بزهکار و بزه‌دیده احتمال بزه‌دیده شدن فرد را افزایش می‌دهد (کسن، ۱۳۸۵: ۱۸۴).

ارائه‌دهندگان الگوی فعالیت روزانه مدعی بودند که دقیقاً همان متغیرهایی که فرصت‌های برخورداری از مزایای زندگی را افزایش می‌دهد، فرصت‌های وقوع خشونت و تعدی را فزونی می‌بخشد؛ برای مثال، استفاده از خودرو، همان‌گونه که هم برای یک شهروند عادی و هم برای یک مجرم، مجال سرعت عمل و تحرک بیشتری را فراهم می‌آورد، آماج‌هایی آسیب‌پذیر را برای سرقت خودرو تدارک می‌بیند یا فعالیت‌هایی مانند حضور در کلاس درس در دانشگاه، مشارکت زنان در عرصه کار، شهرنشینی، سکونت در حومه شهر، استفاده از ابزارهای جدید الکترونیک نیز به همان شکل که زمینه فرار از محدودیت‌های خانه‌نشینی را فراهم می‌سازد، خطر بزه‌دیدگی را هم افزایش می‌دهد (همان: ۲۵۷). از این نظریه برای تشریح نرخ‌های بزه‌دیدگی برای برخی جرم‌ها می‌توان استفاده کرد. برخی از افراد بر پایه تفاوت‌هایشان در فعالیت‌های روزمره، بیش از دیگران برای سرقت، تجاوز و قتل مناسب هستند. به همین شکل برخی موقعیت‌ها به دلیل نوع فعالیت‌ها و میزان فعالیت اجتماعی موجود، برای وقوع جرم مناسب‌ترند (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۳: ۲۴۴). نظریه سبک زندگی ادعا می‌کند که احتمال بزه‌دیدگی افراد به‌واسطه وقوع جرم براساس میزان قرار گرفتن آنها در موقعیت‌های پرخطر که مجرمان بالقوه در آنجا حضور دارند، متفاوت است (پرویزی، ۱۳۷۹: ۲۹). بدین‌سان رفت و آمد در محله‌های جرم‌خیز، مجرد بودن، هم‌نشینی با مردان جوان، ثروتمند بودن، ولگردی و حاشیه‌نشینی احتمال بزه‌دیدگی افراد را افزایش می‌دهد. زیرا، چنین افرادی به دلیل سبک زندگی‌شان با کانون‌های بحران و بزهکاران احتمالی و انگیزه‌دار تماس بیشتری دارند و همین امر سبب می‌شود که این افراد بیش از سایرین شانس بزه‌دیدگی داشته باشند (نیازپور، ۱۳۸۷: ۱۸۷). افرادی که اوقات زیادی را شب‌ها در مکان‌های عمومی سپری می‌کنند در معرض خطر بزه‌دیدگی بیشتری نسبت به افرادی قرار دارند که اغلب بعدازظهرها را در خانه هستند. به‌طور مشابه افرادی که سبک زندگی، آنها را در

معرض تماس مکرر با مجرمان قرار می‌دهد برای بزه‌دیدگی نسبت به آنهایی که اوقاتشان را با معاشران سالم سپری می‌کنند، مستعدتر هستند (Linden, 2007: 143). این احتمال را نبایستی از نظر دور داشت که میزان بزه‌دیده شدن با تعداد دفعات خارج شدن از خانه ارتباط مستقیم دارد (کسن، ۱۳۸۵: ۱۸۳). برخی از اماکن عمومی در برخی مواقع بیشتر مستعد این هستند که محل نزاع واقع شوند. برخی از افراد که به این اماکن می‌روند ممکن است با این آگاهی به آنجا بروند که ممکن است در این نزاع‌ها درگیر شوند. دیگران نیز ممکن است اشتغال به کاری داشته باشند که عمل آنها ممکن است گاهی خطر خشونت را به همراه داشته باشد. چنین افرادی شامل پرستارانی که در بخش اورژانس و حوادث بیمارستان‌ها کار می‌کنند، صاحبان می‌فروشی‌ها، فروشندگان مواد مخدر و خریداران کالاهای مسروقه در مشروب‌فروشی‌ها می‌شوند (فارل و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۵۲).

گونه‌های کنش متقابل بزه‌دیده و بزهکار

بنیامین مندلسون با مبنا قرار دادن مکانیسم‌های کنش متقابل در رابطه بزه‌دیده و بزهکار، گونه‌های ممکن این رابطه را به سه صورت تصویر می‌کند:

گونه بزه‌دیدگی	مصادق
بزه‌دیدگان کاملاً بی‌گناه	افرادی که در شکل‌گیری بزه مشرکتی ندارند؛ مانند کودکان بزه‌دیده
بزه‌دیدگان شریک در شکل‌گیری بزه	کسانی که خود به نحوی در بزه‌دیدگی خود مشارکت می‌کنند. خود این گروه به سه دسته قابل تقسیم هستند: (۱) بزه‌دیدگان نادان و کم‌اطلاع؛ مانند زنی که دست به سقط جنین می‌زند و جان خود را از دست می‌دهد. (۲) بزه‌دیدگانی که تقصیر آنان، هم‌سنگ با بزهکار است؛ (مانند قربانیان خودکشی‌های دو جانبه) یا کسی که در اثر بیماری‌ای علاج‌ناپذیر یا مشکلات دیگر، تقاضا می‌کند که او را از بین ببرند. (۳) بزه‌دیدهای که بیش از بزهکار مقصر است مثل فردی بی‌احتیاط که سبب بروز حادثه می‌شود، یا با رفتاری تحریک‌کننده، دیگران را به ارتکاب جرم وا می‌دارد.
بزه‌دیدگان بزهکار	کسانی که در پی کنشی بزهکارانه نسبت به دیگران، خود قربانی می‌شود. مانند مهاجمی که به قصد از پا درآوردن دیگری با سلاح به وی حمله کند اما در اثر مقاومت آماج جرم، خود از بین برود.

۱- یعنی دو فرد به منظور خودکشی، توافق کنند که به‌طور هم‌زمان یکدیگر را به قتل برسانند.

در دسته‌بندی دیگر او از سه مفهوم زیر به عنوان مفاهیم بنیادی در روابط بزهدار و قربانی یاد می‌کند.

(۱) **بزهدار بزهدیده:** مفهومی ناظر به مواردی که شخص می‌تواند به شکلی متوالی بزهدار یا بزهدیده باشد.

(۲) **بزهدیده مخفی:** یعنی کسی که استعدادی دائمی و ناخودآگاه برای ایفای نقش بزهدیده دارد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۳: ۲۴۷). بعضی افراد، کنش و جاذبه ویژه‌ای بر مجرم اعمال می‌کنند، درست همانند جاذبه‌ای که بره برای گرگ ایجاد می‌کند. این افراد که بزهدیده بالقوه یا نهان نامیده می‌شوند بر دو نوع‌اند: الف) کسانی که بر اثر عواملی مانند سن (صغر و کهنسالی)، وضعیت اجتماعی (ولگردان و مهاجران)، شغل (رانندگان وسائط نقلیه سبک و سنگین) و غیره نوعی آمادگی و استعداد خاص برای بزهدیده شدن دارند.

ب) کسانی که نوعی آمادگی و استعداد قبلی منفی برای بزهدیده شدن دارند. این گروه را می‌توان بزهدیدگان مادرزاد توصیف کرد (نجفی‌ابرنآبادی، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

(۳) **رابطه متقابل بزهدار و بزهدیده:** مواردی که تمامی گونه‌های قابل تصور از کنش متقابل، بزهدار و بزهدیده را به یکدیگر پیوند می‌دهد (همان: ۲۴۷). درخصوص رابطه خاص بزهدار- بزهدیده هانتینگ معتقد است: در بسیاری از اعمال مجرمانه رابطه بزهدار- بزهدیده نقش مهمی ایفا می‌کند و نوعی رابطه متقابل میان آنها وجود دارد، فرآیندی طولانی که بتدریج منجر به عمل مجرمانه می‌گردد (نجفی‌ابرنآبادی، ۱۳۸۳: ۱۸۸).

ویژگی‌های آماج جذاب

در جرایم علیه اموال، برای اینکه یک شیء جذاب باشد و به اصطلاح محصولی بزهدار تلقی شود و بزهدار را به سوی خود متمایل سازد تاکنون دو شاخص ویوا و کراود مطرح شده است. شاخص دوم نسخه تکمیلی شاخص اول محسوب می‌شود و

ترکیبی است از نخستین حروف شش کلمه انگلیسی که در اصطلاح کراود^۱ نامیده می‌شود و بیانگر ویژگی‌هایی است که یک محصول بزه‌زا باید داشته باشد تا آماج جذابی برای بزهکاران بالقوه محسوب شود. این شش معیار عبارت‌اند از: قابلیت نهان‌سازی، قابلیت انتقال، قابلیت دسترسی، ارزش مالی داشتن، لذت‌بخش بودن، و قابلیت مصرف. شاخص ویوا (که از سوی پیروان نظریه فعالیت روزمره مطرح شد) بر سه معیار قابلیت انتقال، لذت بخش بودن و قابلیت مصرف تأکید کافی نداشت (Clarke, 1999: 26).

بزه‌دیدگی برخی از افراد نیز به لحاظ ویژگی‌های خاصی که دارند، بیش از سایرین است. بنابراین، می‌توان این گروه از بزه‌دیدگان را بزه‌دیدگان مستعد و بالقوه آسیب‌پذیر معرفی کرد. به همین جهت زلیگ، یک قربانی کاملاً مناسب را به علت ویژگی‌های مستعدی که دارد، از مهم‌ترین موقعیت‌های پیش‌جنایی دانسته است (زینالی، ۱۳۸۳: ۲۰۳). حال اگر آماج بزه یک انسان باشد معیارهای زیر می‌تواند بر جذابیت و آسیب‌پذیری آن صحنه بگذارد: (۱) انجام بی‌مبالاتی، بی‌احتیاطی و رفتارهای پرخطر مورد نظر بزهکار از سوی بزه‌دیده. (۲) فقدان توانایی یا مهارت دفاع از خود (به واسطه خود یا دیگری).

مجموعه معیارهای فوق که می‌توان از آنها به فقدان مدیریت خطر از سوی بزه‌دیده یاد کرد و همان‌طور که قبلاً اشاره شد با نظریه‌های چون سبک زندگی و فعالیت روزانه قابل تحلیل است، نقش مهمی در بزه‌دیدگی ایفا می‌کند. معیار نخست می‌تواند فراهم‌کننده فرصت بزهکاری و معیار دوم نیز می‌تواند فراهم‌کننده فقدان عامل تزاخم یا تهدید باشد که نقش هر یک در بزهکاری به‌صورت مجزاء مورد بررسی قرار گرفته است.

نقش تسهیلات بزه در فرآیند بزهکاری

کلارک و اک نشان دادند که ارتکاب یا انصراف از بزهکاری بستگی به حضور تسهیلات بزه دارد (Linden, 2007:144). هر یک از تسهیلات بزه که قبلاً به انواع آن اشاره شد بر نوع خاصی از اقدامات پیشگیری موقعیت‌مدار یا وضعی از بزهکاری مؤثر هستند (جدول شماره ۴). از آنجا که تسهیلات بزه اقدامات پیشگیرانه را کم‌رنگ می‌کنند، بسیار مهم است که نقش آنان در ایجاد مشکلات تبیین شود. مدارک مربوط به این موضوع را می‌توان در گزارش‌های بازجویی از بزه‌دیدگان و بزهکاران و مشاهده موقعیت‌های اجتماعی کسب کرد و با تجزیه و تحلیل این گزارش‌ها می‌توان پیوند میان جرایم و تسهیلات گوناگون را پیش‌بینی کرد. اگر وجود تسهیلات در ایجاد مشکلات نقش داشته باشند، قدم بعدی یافتن منابع ایجادکننده این تسهیل‌کننده‌هاست. این منابع در حقیقت براساس نوع تسهیل‌کننده‌ها تغییر می‌کنند. تسهیل‌کننده‌های فیزیکی می‌توانند به وفور در دسترس باشند. تسهیل‌کننده‌های اجتماعی به این امر بستگی دارند که مجرمان با چه کسانی معاشرت دارند. تسهیل‌کننده‌های شیمیایی به وفور یافت می‌شوند و غالباً با بزه ناهنجاری قرین هستند (Clarke and ECK, 2005).

با مقایسه بین ایالات متحده آمریکا و دیگر ملل به این نتیجه می‌رسیم که دسترسی آسان به اسلحه وقوع قتل و حملات شدید را در آنجا آسان‌تر ساخته است. نرخ قتل در آمریکا چند برابر نرخ قتل در انگلستان و دیگر ملل اروپایی است البته نه به این دلیل که جامعه آمریکایی جنایتکارتر هستند. اگر این‌گونه بود نرخ سرقت‌ها نیز می‌بایست در آمریکا بیشتر می‌شد و حال آن که میزان سرقت در انگلستان و برخی کشورهای اروپایی از آمریکا بیشتر است. دلیل بالا بودن نرخ قتل در آمریکا دسترسی و حمل آسان اسلحه کمری ارزیابی می‌شود و این بدان معنی است که فرصت حمل اسلحه برای انجام حمله سریع و کشنده، حتی در صورتی که بزه‌دیده قوی‌تر از مهاجم باشد بیشتر است (Felson and Clarke, 1998: 11).

جدول شماره ۴- تسهیلات مورد استفاده بزهکاران برای مقابله با تکنیک‌های پیشگیری وضعی (Clarke and ECK, 2005).

کاهش تحریکات	حذف پهنه‌ها	کاهش منافع	افزایش خطر	افزایش تلاش	روش‌های پیشگیری وضعی نوع تسهیلات
—	*	—	*	*	شیمیایی
*	*	*	*	*	اجتماعی
*	—	—	*	*	فیزیکی

نقش فقدان تهدید یا تزاحم در فرایند بزهکاری

فقدان تهدید یا تزاحم متغییری موقعیتی است که در وقوع بزهکاری نقش دارد. این متغیر به صورت مانعی در برابر شخصیت بزهکارانه قرار دارد و به وی می‌فهماند که برای دسترسی به آماج راه دشوار یا خطرناکی را در پیش رو دارد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، از دیدگاه نظریه فعالیت روزمره، نقش فقدان تهدید یا تزاحم در فرآیند بزهکاری و در قالب فقدان محافظ کارآمد مورد تأکید قرار گرفته است.

کلارک واک معتقدند: زمانی که مقررات رفتاری اندکی در یک مکان حاکم باشد (قوانین و مقررات وجود نداشته یا اعمال نگردد)، توانمندسازان بزه^۱ ایجاد می‌شوند. برای مثال، حذف متصدی پارکینگ به مردم این امکان را می‌دهد که در محل پارک خودروها پرسه بزنند و این کار موجب افزایش سرقت خودروها می‌شود. این مثال نمونه‌ای از تغییر نادرست مدیریت مکانی است. بعضی اوقات با مرور زمان مدیریت مکانی به تدریج از بین می‌رود و منجر به افزایش مشکل می‌شود. ممکن است توانمندسازان بزه در نتیجه کاهش محافظت و مهار ایجاد گردند. برای مثال، اگر والدین به محل‌های بازی کودکان خود توجه داشته باشند، به طور فعالانه‌ای از آنها مراقبت کرده (محافظت) و مانع بدرفتاری آنان می‌شوند (مهار). اگر شیوهٔ بچه‌داری کم‌کم تغییر پیدا کند و بچه‌ها به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای به حال خود رها شوند، خطر بزه‌دیدگی و بزهکاری آنها نیز افزایش خواهد یافت.

1- Crime enablers

پاتریشیا و پاول برانتینگهام نیز معتقدند که مناطقی می‌توانند نسبت به بزه خنثی باشند. مانند مناطقی که نه بزهکاران و نه آماج بزه را به خود جذب کنند و نظارت بر روی رفتارها کافی باشد. این مناطق نرخ بزهکاری نسبتاً کمتری دارند و بزه‌ها هم تا حدود زیادی فاقد الگوی معین هستند. به همین دلیل مناطق خنثی بزه به ندرت توجه پلیس را به خود جلب می‌کنند. هرچند که این مناطق به ندرت نیازمند تحلیل بزه هستند، اما به دلیل فراهم کردن زمینه مقایسه با دیگر مناطق، حائز اهمیت هستند. برای مثال، مقایسه مناطق خنثی با نقاط بزه‌زا می‌تواند به شناسایی متغیرهای مؤثر بر تولید بزه، جذب بزه یا توانمندسازی بزه، کمک کند. به طور خلاصه، هنگامی که یک منطقه بزه‌زا به مشکلی بزرگ‌تر تبدیل می‌شود، به این دلیل است که تعداد آماج‌ها و تعداد بزهکارانی که از منطقه بزه‌زا منفعت می‌برند افزایش یافته یا به این دلیل است که سطح نظارت قبلی کاهش یافته است. غالباً هر سه مورد (افزایش آماج، افزایش بزهکار و کاهش نظارت)، در گسترش بزه در یک منطقه، مؤثر هستند (Clarke and ECK, 2005, Step 17).

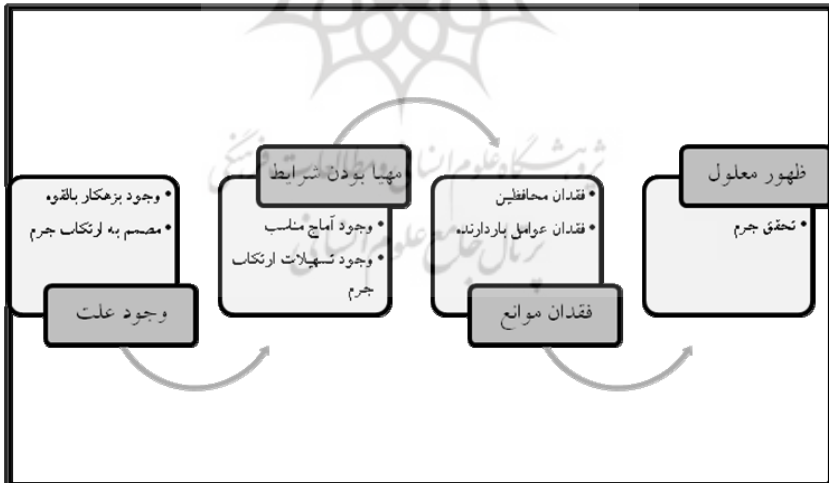
در مجموع می‌توان گفت بزهکاران به زمان و فضای نیاز دارند که مراقبان در کار آنها مزاحمت و دخالتی ایجاد نکنند. برای مثال، خشونت‌های خانوادگی نیز به حریم خصوصی و اینکه اعضای خانواده و همسایه‌ها حضور نداشته باشند تا از وقوع آن جلوگیری کنند، متکی است (Felson and Clarke, 1998: 11).

همچنین بر اساس نظریه انتخاب عقلانی بزهکاران احتمالی تصمیم‌گیرندگان عاقلی هستند که به دنبال تأمین منافع اقتصادی خویش هستند (پس از ارزیابی میزان خطر و منافع حاصله از طریق ارتکاب جرم) (پرویزی، ۱۳۷۹: ۲۸) و زمانی مرتکب جرم می‌شوند که سود خالص مورد انتظاری که از این فعالیت به دست می‌آید، بیشتر از آستانه اخلاقی آنها باشد (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۴).

نظریه انتخاب عقلانی، اعمال مجرمانه را به عنوان نتیجه محاسبه‌ای می‌داند که هزینه‌ها (شامل تلاش صرف‌شده) منافع (پاداش بالقوه) و خطرات مرتبط با آن اعمال را در نظر می‌گیرد. همسو با این طرز تفکر، اعتقاد بر این است که مجرمان براساس عقلانیت ابزاری عمل می‌کنند و نه عقلانیت ارزشی؛ یعنی جرم تابعی از فرصت و

پاداش‌هایی است که محیط (موقعیت) فراهم می‌کند و نه صرفاً ناشی از کاستی‌هایی در ارزش‌ها، عقاید و جامعه‌پذیری بزهکاران. این نظریه احساس مسئولیت در برابر جرم را افزایش می‌دهد؛ در حالی که مجرم را از اعمالش تبرئه نمی‌کند (اشنایدر، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

هنگامی که افرادی قصد ارتکاب جرمی را می‌کنند دو عامل برای آنان تعیین‌کننده است؛ نخست، محاسبه و تضمین سود حاصل از بزه و دوم، دوری جستن از خطرات و پیامدهای منفی ناشی از آن. روشن است که چنین محاسبه‌ای عقلانی بوده و به اندیشیدن نیاز دارد و انسان عاقل بدون محاسبه برآیند این دو عامل مرتکب بزه نمی‌شود (صفاری، ۱۳۸۰: ۳۰۴). بزهکاران از ارتکاب بزه اهدافی دارند هرچند که این اهداف کوتاه‌بینانه، بدون منفعت و محدود باشند. این منطق همچنین بر اساس میزان زمان و تلاشی که بزهکاری می‌تواند برای نیل به تصمیم‌گیری صرف کند (بر مبنای کیفیت اطلاعات قابل دسترسی برای آنان)، محدودیت می‌یابد. آنان به ندرت از جرم و هزینه‌ها و سودها تصویری کامل و واضح دارند (Felson, and Clarke, 1998 17).



شکل شماره ۱- فرایند تحقق جرم بر اساس رابطه علیت

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب مطرح شده، به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) موقعیت در کنار بزه‌کار و بزه‌دیده از عوامل تأثیرگذار تکوین جرم است. صرف وجود بزه‌کار و بزه‌دیده منجر به وقوع جرم نمی‌شود بلکه موقعیت مناسبی که موجب تسلط و غلبه نسبی بزه‌کار بر بزه‌دیده شود، برای تکوین جرم ضروری است.

(۲) موقعیت‌های بزه‌کاری یکسان نیستند و بر اساس شرایط و اوضاع مربوط به هر مورد، متفاوت و متمایز از یکدیگر هستند. موقعیت‌های بزه‌کاری را می‌توان از ابعاد مختلف طبقه‌بندی کرد. ارائه چنین طبقه‌بندی‌هایی موجب شناخت بیشتر موقعیت‌های پیش‌جنایی و در نتیجه اشراف کامل بر پدیده مجرمانه و ارائه راهکارهای مقابله‌ای و مبارزه‌ای مناسب خواهد شد.

(۳) موقعیت بزه‌کاری را می‌توان به وجود شرایط مثبت برای ارتکاب جرم (مانند وجود آماج مناسب جرم، وجود تسهیلات ارتکاب جرم، دسترسی بزه‌کار به آماج جرم، غلبه توانایی روحی و فیزیکی بزه‌کار بر بزه‌دیده و ...) و فقدان موانع، یا به عبارت دیگر، شرایط منفی در برابر ارتکاب جرم (مانند فقدان محافظان کارآمد، فقدان عوامل بازدارنده و...) تقسیم کرد. برای پیشگیری و کاهش جرم باید عوامل مساعد برای ارتکاب جرم را از بین برده یا کاهش داده و در مقابل، عوامل مانع و مزاحم در برابر ارتکاب جرم را افزایش داد.

منابع

- اشنایدر، ریچارد و کیچن، تد (۱۳۸۷). *برنامه ریزی (شهری) برای پیشگیری از جرم*، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: انتشارات میزان.
- بیات، بهرام و همکاران (۱۳۸۷)، *پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور*، تهران: انتشارات معاونت اجتماعی ناجا.
- پاک‌روش، کبری (۱۳۸۷)، *بزه‌دیده‌شناسی: رویکردی جدید به بزه*، فصلنامه *مطالعات و امنیت اجتماعی*، سال چهارم، شماره سیزدهم.
- پایا، علی، (۱۳۸۲)، *ابهام‌زدایی از منطق موقعیت (بخش اول)*، *مجله نامه علوم اجتماعی*، شماره بیست و یکم.
- پایا، علی، (۱۳۸۶)، *عقلانیت نقادانه و منطق موقعیت: رهیافتی، کارآمد برای روش‌شناسی دانش آموزش و پرورش*، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، سال ششم، شماره بیست و یکم.
- پرویزی، رضا، (۱۳۷۹)، *پیشگیری وضعی و نقش آن در پیشگیری از قتل*، تهران: انتشارات معاونت آموزشی ناجا.
- رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۸۴)، *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، تهران: انتشارات دادگستر.
- رشادتی، جعفر، (۱۳۸۷)، *پیشگیری از جرم در قرآن*، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- زینالی، حمزه، (۱۳۸۳)، *اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه‌دیدگی آنها*، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال سوم، شماره سیزدهم.
- سلیمی، علی و داوری، محمد، (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی کجروی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شیرینی، عباس، (۱۳۸۶)، *رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیدگان (دادخواهی)*، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، سال دوم، شماره چهارم.
- صفاری، علی، (۱۳۸۰)، *مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم*، *مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، شماره‌های ۳۴ و ۳۳.

- فارل، گراهام و همکاران، (۱۳۸۵)، چرا بزه‌دیدگی ثانوی اتفاق می‌افتد؟، ترجمه نوروژ کارگری، مجله فقه و حقوق، سال سوم.
- کسن، موریس، (۱۳۸۵)، اصول جرم‌شناسی، ترجمه میرروح‌الله صدیق، تهران: انتشارات دادگستر.
- کی‌نیا، مهدی، (۱۳۸۳)، روان‌شناسی جنائی، تهران: انتشارات رشد.
- گسن، ریموند، (۱۳۸۵)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: انتشارات مجد.
- میرخلیلی، سیدمحمود، (۱۳۸۵)، بزه‌دیدة‌شناسی، پیشگیرانه با نگاه به سیاست جنایی اسلام، مجله فقه و حقوق، سال سوم، شماره یازدهم.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۳)، مباحثی در علوم جنایی، تقریرات درس جرم‌شناسی، مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، مجموعه دو جلدی به کوشش دکتر شهرام ابراهیمی.
- نور بهاء، رضا، (۱۳۸۶)، زمینه جرم‌شناسی، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- نیازپور، امیرحسن، (۱۳۸۷)، بزه‌کاری به عادت از علت‌شناسی تا پیشگیری، تهران: انتشارات فکرسازان.
- ویلیامز، فرانک پی و مک شین، ماری لین دی، (۱۳۸۳)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: انتشارات میزان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه ملی و اسناد ملی
 کتابخانه تخصصی حقوق

• Clarke, Ronald.V (1997), *Situational crime Prevention: Successful case studies*, second Edition. Albany, NY: Harrow&Heston. Available at: www.popcenter.org/library/reading/PDFs/scp2_intro.pdf

• Felson, M and Clarke, Ronald.V (1998), *Opportunity Makes the Thief: Practical Theory for Crime Prevention, Detection and Prevention series*, Paper 98, Police Research Group, London: Home Office. Available at: www.homeoffice.gov.uk/rds/prgpdfs/fprs98.pdf

• Clarke, Ronald.V (1999), *Hot Products: Understanding, Anticipating and Reducing Demand For Stolen Goods, Detection and Prevention Series*,

Paper 112, Police Research Group, London: Home Office. Available at: www.homeoffice.gov.uk/rds/prgpdfs/fprs112.pdf

• Clarke, Ronald .V and Eck, John. E (2005), *Crime Analysis for Problem Solvers in 60 Small Steps*, us department of justice. Available at: www.popcenter.org/library/reading/PDFs/60steps.pdf

• Linden, rick (2007), *Situational Crime Prevention: It's Role in Comprehensive Prevention Initiatives*, IPC Review, And Vol 1: p 139-159. Available at: www.sciencessociales.uottawa.ca/ipc/pdf/kr6-linden.pdf

